

اعتقادنامه‌ی آتاناسیوس

هر که مشتاق است تا نجات یابد، باید فرای همه چیز، ایمان جامع مسیحی را باور داشته باشد.

هر آنکه آن را محکم و تماما حفظ نکند، بی‌شک هلاکت ابدی نصیب او خواهد شد.

ایمان جامع مسیحی اینچنین است که:

ما یک خدای واحد را در تثلیث، و تثلیث را در وحدانیت می‌پرستیم.

نه شخص‌های آنان را یکی،

و نه ذات آنان را تقسیم می‌کنیم.

زیرا شخص پدر یک شخص مجزا است،

شخص پسر فرد دیگری است،

و شخص روح‌القدس نیز متفاوت است.

اما الوهیت پدر، پسر، و روح‌القدس واحد است،

جلال آنان مساوی، و عظمت آنان تا ابد برابر است.

هر خصوصیتی که پدر دارد، پسر نیز داراست، و روح‌القدس نیز دارد.

پدر نامخلوق است،

پسر نامخلوق است،

روح‌القدس نامخلوق است.

پدر نامتناهی است،

پسر نامتناهی است،

روح‌القدس نامتناهی است.

پدر ابدی است،  
پسر ابدی است،  
روح القدس ابدی است.

با اینحال آنها سه هستی ابدی نیستند؛  
بلکه فقط یک هستی ابدی وجود دارد.  
آنها همچنین سه هستی نامخلوق یا نامتناهی نیستند؛  
بلکه فقط یک هستی نامخلوق و نامتناهی وجود دارد.

به طریق مشابه، پدر قادر مطلق است،  
پسر قادر مطلق است،  
روح القدس قادر مطلق است.

با اینحال، آنها سه هستی قادر مطلق نیستند؛  
بلکه فقط یک هستی قادر مطلق وجود دارد.

بدین ترتیب پدر خدا است،  
پسر خدا است،  
روح القدس خدا است.

با اینحال، آنها سه خدا نیستند؛  
بلکه فقط یک خدا وجود دارد.

بدین ترتیب پدر خداوند است،

پسر خداوند است،

روح القدس خداوند است.

با اینحال، آنها سه خداوند نیستند،

بلکه فقط یک خداوند وجود دارد.

درست همانطور که حقیقت مسیحی ما را می‌دارد

تا هر «شخص» را جداگانه به عنوان خدا و خداوند اقرار کنیم،

ایمان جامع ما را منع می‌کند

که بگوییم سه خدا یا خداوند وجود دارد.

پدر مصنوع نیست، مخلوق نیست، و از کسی مولود نشده است.

پسر نه مصنوع است و نه مخلوق؛

او تنها از پدر مولود شد.

روح القدس نه مصنوع، نه مخلوق، و نه مولود است؛

او از پدر و پسر صادر شده است.

خدا از چیزی ساخته نشده است و مخلوق و مولود نیست.

روح القدس از پدر و پسر است، ساخته نشده، مخلوق نیست، و مولود نی، بلکه صادر گردیده است.

در نتیجه، یک پدر وجود دارد، نه سه پدر؛

یک پسر وجود دارد، نه سه پسر؛

یک روح القدس وجود دارد، نه سه روح القدس.

در این تثلیث هیچکس بر دیگری پیش و پس نیست،  
هیچکس بزرگتر یا کوچکتر نیست؛  
این سه شخص در تمامیت خویش،  
همراه یکدیگر ابدی و برابر هستند.

بنابراین در همه چیز، همانطور که پیش تر گفته شد،  
ما باید تثلیث آنان را در وحدانیت‌شان،  
و وحدانیت‌شان را در تثلیث بپرستیم.

پس هر که مشتاق است نجات بیابد  
باید اینگونه دربارهٔ تثلیث بیندیشد.

اما برای نجات ابدی لازم است  
که شخص، تجسم خداوند ما عیسای مسیح را  
با ایمان باور کند.

ایمان حقیقی این است که:

ما باور و اعتراف می‌کنیم  
خداوند ما عیسای مسیح، پسر خدا،  
به طور برابر هم خدا و هم انسان است.

او از ذات پدر، خدا است،

پیش از آغاز زمان مولود شد.  
و او از ذات مادر خود، انسان است،  
و در زمان تولد یافت؛  
کاملاً خدا، کاملاً انسان،  
با روحی متفکر و جسم انسانی؛  
از جنبهٔ الهی با پدر برابر،  
از جنبهٔ انسانی از پدر کمتر است.

اگرچه او خدا و انسان است،  
با اینحال، مسیح دو نیست، بلکه یک.  
او یک است، اما،  
نه به وسیلهٔ الوهیت او که در جسم شد،  
بلکه به وسیلهٔ خدا که انسانیت را بر خود گرفت.  
او یک است،  
قطعا نه با اختلاط ذات وی،  
بلکه با اتحاد شخص او.

زیرا همانطور که یک انسان هم روح متفکر و هم جسم است،  
مسیح نیز هم خدا و هم انسان است.

او برای نجات ما رنج کشید؛  
به عالم اسفل نزول کرد؛  
از مرگ برخاست؛

به آسمان صعود کرد؛

در دست راست خدای پدر نشسته است؛

از آنجا خواهد آمد تا مردگان و زندگان را داوری کند.

در رجعت او همهٔ مردمان جسمنا برخواهند خاست

و پاسخگوی اعمالشان خواهند بود.

آنان که عمل نیک انجام داده باشند به حیات جاودان،

و آنان که عمل شر انجام داده باشند به آتش جاودان وارد خواهند شد.

ایمان جامع اینچنین است:

هیچکس نمی‌تواند بدون باور راسخ و وفادارانه نجات بیابد.